



فوتبال، کادر فنی و نمایندگان رسانه‌های گروهی کشور میزبان دیدار کند. آن روزها دیگر کسی یادش نبود که از قیصر سؤالی هم درباره سفر زهرآلود ۳۵ سال پیش‌اش بپرسد و نتیجه شش‌تایی‌ها را به یادش بیاورد. این بار فرانتس متشخص، با آن موهای سفید وزوزی از طرف کمیته برگزارکننده جام جهانی ۲۰۰۶ و فدراسیون جهانی به تیم ایران - به ویژه به دادکان و برانکو و علی دایی- برای حضور در جام‌جهانی ۲۰۰۶ خوشامد گفت و برخلاف بار اول سفر به پایتخت ایران که هیچ سوغاتی نبرد این بار قالیچه‌های ریزبافی را سوغات برد که چشم هر بیننده را از ظرافت کار صنعتگران قالی ایرانی خیره می‌کرد. این بار اما مردی در فوتبال ایران ظهور کرده بود که اسمش از زبان قیصر نمی‌افتاد: «به دایی بازیکنی که در زمان ریاست من در باشگاه بایرن‌مونخ در سال ۱۹۹۹ با این تیم قهرمان آلمان شد خوشامد می‌گویم. بی‌شک ایران نمی‌تواند هیچ سفیری بهتر از علی دایی داشته باشد. طی صد سال اخیر دایی یکی از برجسته‌ترین بازیکنان باشگاه بایرن‌مونخ بوده است.» قیصر که سفرش به دور دنیا را با حضور در تهران و با عنوان «جهان در ضیافت دوستان» آغاز کرده بود در مورد اهداف حضورش در ایران گفت: ما با حضور خود در ایران می‌خواهیم وضعیت ورزشگاه‌ها و آمادگی مردم آلمان را برای میزبانی جام جهانی به مردم ایران نشان دهیم. و البته اعتراف کرد

فوتبال دارند ولی این دروازه‌بان تیم پاس (نیک‌نفس) قدرت عکس‌العملی خوبی دارد و شماره‌های ۴ و ۶ شما (قلیچ و حلوائی) را در حدی می‌دانم که می‌توانند در هر یک از تیم‌های باشگاه‌های دسته اول آلمان بازی کنند اما آنها اگر می‌خواهند در فوتبال موفق باشند باید شجاعانه بازی کنند. این ویژگی بزرگی برای هر فوتبالیست است.

باز هم به تهران خواهید آمد؟

■ ما در تهران شکست عجیبی را متحمل شدیم. ولی در تیم ثابت ما چهار پنج نفر بیشتر نبودند و هفت بازیکن بقیه از جوانان تیم بایرن‌مونخ بودند. می‌دانید که به یکبارہ وارد کردن هفت بازیکن از جوانان مشکلات بسیاری را بر هر تیمی وارد می‌کند که شما روز جمعه نتیجه‌اش را در استادیم دیدید ولی با گفت‌وگویی‌هایی که بین مدیر باشگاه ما با سرپرست پاس آقای صادقی شده به احتمال قوی تیم ما در ژانویه آینده در بین دو نیم‌فصل باشگاه‌های آلمان به تهران خواهد آمد. البته این بار با تیم کامل. مطمئن باشید بعد از آن بازی، دیگر فوتبالیست‌های ایرانی عدد شش را به ما و دوستان‌مان نشان نخواهند داد چون راه دروازه بایرن در بازی آینده به هیچ وجه باز نخواهد شد. اطمینان داشته باشید.»

آنهايي که بازی‌های قیصر را دیده‌اند تأیید می‌کنند که او با در نظر گرفتن معادلات و مقتضیات فوتبال زمان خودش،

خوشفکرترین و مدرن‌ترین مدافع قرن بود. یادمان هست که بهترین مدافعان نسل او و پیش از او را قصاب‌ها و سلاح‌ها تشکیل می‌دادند که باید فوروادهای مقابل خود را می‌دریدند و نمی‌گذاشتند به حریم آنها تجاوز کنند. باید ساق پای حمله‌کنندگان را شترق می‌شکستند و می‌دادند دست‌شان و تیکه‌پاره‌اش می‌کردند تا سیم خاردار لقب بگیرند اما قیصر با تکنیک و خوشفکری و چشم‌های باز و سر بالا، مدلی از شمایل یک مدافع مدرن را پیاده کرد که زیبایی‌شناسی فوتبال را اعتبار بخشید و در چرخه فوتبال تهاجمی شراکت می‌کرد. مردی که حتی در دشوارترین لحظه‌ها نیز زیر توپ زدن را بلد نبود. روزی که او با کتف شکسته برای تیمش بازی کرد از آن روزهای درخشان «فوتبال فداکارانه» بود. چنین بود که همیشه گمان می‌کردیم عنوان‌هایی چون قهرمانی اروپا، قهرمانی لیگ قهرمانان، کسب دو توپ طلا و قهرمانی جام جهانی (هم برای قیصر بازیکن و هم مربی) برایش کم بود. با این همه اگرچه سفر اول قیصر به تهران با خوشی توأم نبود اما سفر دومش تا دلت بخواهد خاطره‌ساز و پربار بود. هشت ماه قبل از آغاز جام جهانی ۲۰۰۶ بود که او برای بار دوم به ایران آمد. این بار شورت و بیراهن تیم مونیخی را بر تن نداشت بلکه در جایگاه رئیس کمیته برگزارکننده رقابت‌های جام‌جهانی و در رأس هیأتی بلندپایه در تهران حضور یافته بود تا با اعضای فدراسیون

ثابت‌مان در تیم ملی در همین جام ملت‌های اروپا (بلژیک) خستگی بسیاری را متحمل شدند. از این رو، جمعی از ما در این دو دیدار تهران در زمین راه می‌رفتیم؛ از این گذشته ما تا روز آخر مسابقات جام باشگاهی اروپا سایه شالکه را قدم به قدم روی سر خود احساس می‌کردیم و این سخت‌آزاردهنده بود. با این شرایط چهارشنبه قبل ما قهرمان آلمان شدیم و همان شب تا صبح این پیروزی بزرگ‌مان را جشن گرفتیم؛ روز بعدش میهمان شهرداری مونیخ بودیم و بلافاصله به تهران پرواز کردیم و روز جمعه‌اش در آن روز جهنمی بازی کردیم. **تصورش را بکنید روزی گردمولر از تیم شما رفته است. آن وقت چه خواهد شد؟**

■ تا وقتی که من بخوام مولر در تیم خواهد ماند. البته او در همه حال مولر است. مگر گل زیبایش را امروز ندیدید؟ او در هر بازی وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و یک گل می‌زند. **راجع به فوتبال ایران چه می‌گویید؟**

■ اعتراف می‌کنم که ما فوتبال شما را دست‌کم گرفتیم. باور کنید حتی تصورش را هم نمی‌کردیم که ایرانی‌ها تا این حد خوب فوتبال بازی کنند. بچه‌های شما واقعاً هرگز تحت‌تأثیر نام‌های بزرگ قرار نمی‌گیرند و روحیه خوبی دارند. من احساس می‌کنم که همواره در پیکار خود ثابت‌قدم و جستجوگر هستید. آنها از نظر تکنیک فردی نیز در سطح خوبی هستند ولی اینطور به نظر می‌رسد که ضمن برخورداری از قدرت، به خاطر فقدان نرمش و تمرینات انعطاف‌پذیری عموماً شرایط بدنی خوبی ندارند. در حالی که این امر خود پایه اصلی کار فوتبال است. شما باید تلاش کنید که در همه زمینه‌ها توأمان پیشرفت کنید. گذشته از این، در کار تیمی هم دچار اشکالات بسیار بودید. مثلاً در بازی تیم شما فقط کسی که صاحب توپ است بازی می‌کند که ما این شکل کار را فوتبال بدون توپ می‌نامیم. شکل و روش فوتبال شما سیستم آمریکای لاتین است نه سیستم اروپایی ولی در آن تکامل ندارد. این چندروزه شنیدم که قصد دارید یک مربی اروپایی برای تیم ملی خود بیاورید. باید هشدار بدهم که این کار مشکلی است و اگر مربی جدید بخواد سیستم و نحوه بازی شما را تغییر دهد مدت زیادی وقت لازم خواهید داشت. تازه معلوم نیست نتیجه مثبت هم به دست آید. من پیشنهاد می‌کنم برای مربیان خود یک مربی اروپایی بیاورید، نه برای تیم ملی‌تان چون اگر نتیجه کار مربیان باشگاهی‌تان در سطحی قابل‌قبول باشد در تیم ملی‌تان فقط یک رهبری خوب، نتیجه کاملاً منتظره‌ای را به دست خواهید آورد.

شما چه کسی را پیشنهاد می‌دهید؟

■ اغلب مربیان فوتبال در آسیا دتمار کرامر مربی فدراسیون بین‌المللی را کاملاً می‌شناسند و بسیاری از آنها با او کار کرده‌اند. شاید او بهترین باشد ولی کسی در حد نام و تجربه او لازم دارید.

در این دو بازی تهران، کار کدام فوتبالیست ایرانی را بیشتر پسندیدید؟

■ عموم بازیکنان شما تکنیک خوبی در

عکس امضا شده‌اش برای خوانندگان ایرانی عبارت «سلام‌های فراوان برای تمام طرفداران دنیای ورزش» را نوشته بود. لید دیدار با شاهزاده نجیب فوتبال آلمان با این توصیف قلم‌زنان دنیای ورزش آغاز می‌شد: «او با آرامش تمام و بی‌تکبر با طرفداران دست می‌داد. چیزی که او را در جشن از هم‌تیمی‌هایش سوا می‌کرد این بود که او به هیچ وجه به مشروبات الکلی علاقه نشان نمی‌داد. بکن‌باوئر آدمی خوشحال و خنده‌رو و دوست‌داشتنی ست. از حرف‌ها و رفتارش به خوبی برمی‌آمد که جهان‌بینی خاص خود را دارد. چشم‌هایش جستجوگر است و حالت نافذ آنها حکایت از سلامت کامل روحی او دارد. حرف‌هایش را با دیالوگ کوتاهی شروع کرد: من هیچ‌وقت عصبانی نمی‌شوم.

خبرنگار: امروز شما دیدید که مولر به داور اعتراض کرد و به او دشنام داد. البته داور حرف‌های او را نمی‌فهمید.

■ بکن‌باوئر: هر کس در میدان بازی مسئول کار خودش است ولی من هرگز به کسی دشنام نمی‌دهم.

نظرت راجع به خودت چیست؟ دوست داری قبل از فوتبالیست بودن چه نوع آدمی باشی؟

■ بکن‌باوئر: من همیشه کوشش می‌کنم در همه حال و قبل از فوتبالیست بودن، یک انسان باشم.

کاپیتان تیم ملی آلمان از همان آغاز صحبت‌مان از من خواش کرد درباره بازی لعنتی (باخت ۳-۶ روز جمعه) ازش توضیحی نخواهم. دلیلش هم این بود که آنقدر در این چند روز مردم تهران با انگشتان خود علامت شش‌تایی را به آنها نشان داده‌اند و آنقدر به آنها توضیح داده است که دیگر چیزی برای گفتن ندارد. او می‌گوید: «می‌دانی چه چیزی فوتبال شما را مختل می‌کند؟ گرما. این گرما واقعاً دشمن فوتبال است. در این روزهای اوج تابستان، شما باید فوتبال را تعطیل کنید چون فوتبال شاید تنها ورزشی است که قادر است میلیون‌ها انسان را سر شوق بیاورد و شادمان شان کند. باور کنید اگر در یک استادیوم بزرگ، بزرگترین مسابقه فوتبال تاریخ برگزار شود ولی آنجا مردمی برای فریاد کشیدن نباشد ذره‌ای هیجان خلق نخواهد شد.»

پس شما فوتبال را در تماشاگر خلاصه می‌کنید؟

■ فوتبال حرفه‌ای گاهی وحشتناک می‌شود. من معتقدم فوتبال حرفه‌ای تا حد معقول چیز خوبی است ولی اگر قرار باشد از این چلوئر برویم چیز وحشتناکی خواهد بود. مثلاً من فوتبال حرفه‌ای انگلیسی‌ها را نمی‌پسندم چون رفته‌رفته در این کشور فوتبال به صورت ماشینی ولی بی‌احساس و خشن درمی‌آید. باید از این امر جلوگیری کرد چون آدم‌ها باید فوتبال بازی کنند نه ماشین‌های آدم‌نما!

درباره بازی با پاس چه نظری دارید؟

■ امروز به مراتب بهتر از بازی اول بازی کردیم. ولی کارمان بازهم در حد انتظار نبود. توجه داشته باشید که ما فصل بسیار مشکلی را پشت سر گذاشتیم. شش نفر از افراد

خوبی است. خوب تصمیم می‌گیرد و خوب عمل می‌کند ولی قبول دارید که گاهی لحظاتی پیش می‌آید که کاری از دستش ساخته نیست.

کدام دروازه‌بان بیشتر برای شما مشکل ایجاد کرده است؟

■ بنکس دروازه‌بان تیم ملی انگلیس و نیگبور دروازه‌بان تیم شالکه.

مایر، گلر بایرن‌مونخ چی؟

■ مایر هم‌باشگاهی من است و من تا کنون به او گل نزده‌ام. از این نظر شانس آورده.

از فوتبالیست‌های ایران چه کسی را پسندیدید؟

■ شماره‌های ۴ و ۶ (قلیچ و حلوائی). راستی شماره ۸ تیم تهران که امروز هم در پاس بازی می‌کرد (صادقی) واقعاً روز جمعه بازی خوبی کرد. من به فکر این‌ام که در آینده او می‌تواند یک مولر باشد. فقط باید کمی جسور و با قدرت‌بدنی بیشتر باشد.

دوستی شما با بکن‌باوئر به چه شکلی است؟

■ ما دوستان خوبی هستیم و تا به حال موقعیت‌های زیادی را در کنار هم به دست آورده‌ایم. حداقل تا سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) در کنار هم باز هم در بایرن مونخ خواهیم بود. **راجع به فوتبالیست‌های ایران نظرت چیست؟**

■ فوتبالیست‌های جنگنده‌ای دارید. در زمین خوب کار می‌کنند. من طوری از بازی تیم شما خوشم آمده که حتماً در بازی‌های المپیک (۱۹۷۲) به دیدن تیم شما خواهم رفت. مطمئناً اگر در مونیخ هم به همین شکل بازی کند می‌تواند موقعیت خوبی کسب کند ولی نباید در انتظار قهرمان شدن باشید.

باز هم به ایران خواهید آمد؟

■ اینطور که قرار گذاشته شد ژانویه (دی ماه) با تیم کامل بایرن‌مونخ مجدداً به تهران خواهیم آمد. آن وقت همه چیز را جبران خواهیم کرد.

فرانتس بکن‌باوئر در عمرش چنین شکست بیخودی نخورده بود که در تهران خورد. او در توجیه این شکست رسواکننده به

کیهان ورزشی گفته بود: «من در این فصل بیش از ۱۳۴ مسابقه داده‌ام که این یک کار طاقت‌فرسا بوده است. حتی بازیکنی نظیر به‌له در اوج نیز هرگز قدرت حضور در سالی بیش از یکصد مسابقه نداشته است و سایر بازیکنان ملی نیز به همین ترتیب بوده‌اند». آن روزها خبرنگار کیهان ورزشی برای صید ستاره‌های ژرمن و مصاحبه با آنها وقتی فهمیده بود بکن‌باوئر، گرهارد مولر و ادو لاکت مربی تیم به میهمانی سفارت آلمان در تهران رفته‌اند از زبان قیصر این جملات تسکین‌بخش را درآورد و نوشت که: «این سخت‌ترین روزهای زندگی من در ورزش بوده است.» اما مصاحبه خبرنگاران دنیای ورزش (شاهرخ و جلالی) با کاپیتان بکن‌باوئر طولانی‌تر و جذاب‌تر بود. دنیای ورزش در مصاحبه با قیصر یک یادداشت یادگاری از او چاپ کرده بود که زیر



که «تدارک میزبانی برای برگزاری مسابقات جام‌جهانی از مربیگری یا حضور در یک تیم فوتبال سخت‌تر است». آن قیصر مدل دهه هفتادی هنوز هم تشخص و تفرعن و اصالت خود را داشت. مخصوصاً وقتی در مراسم تهران با کیاست تمام به این نکته اشاره کرد که «ضعف بزرگ هیأت آلمانی در ایران این است که به زبان فارسی صحبت نمی‌کنند، ما باید یک دوره آموزش زبان فارسی را می‌گذرانیم تا در جمع امروز با شما راحت‌تر صحبت کنیم. متأسفانه وقت این امر وجود نداشت. معذرت می‌خواهیم.» و آب از لب و لوچه ما فرو ریخت. حالا غیر از علی دایی، یک جادوگر هم در فوتبال پارسی بود که با آلمان‌ها عقد اخوت بسته بود. قیصر ضمن اظهار خوشحالی از حضور علی کریمی در تیم فوتبال بایرن‌مونخ آلمان حضورش را بسیار مثبت قلمداد کرد و پس از آن دیگر فصل نافرمی از زندگی بی‌قیصر ما ورق خورد.



مخاطب باشگاه‌های تهران (۱) ۶
جمعه ۹ تیرماه ۵۱
آنها: محمد صادقی دفاع ۱۱ و ۶۲ و ۷۷ و هابون
بهرزادی دفاع ۱۰، غلامحسین مظلومی دفاع ۱۲ و
صبر ایرانیان دفاع ۱۲
بایرن مونخ آلمان (۲) ۳
آنها: گردمولر دفاع ۱۶، دورن بزرگ دفاع ۲۵،
رودت دفاع ۷۵
داوود نصیری
کمنداوران: اصغر تهرانی و ابوالقاسم حاج‌ابوالحسن

تیم تهران: ناصر سجادی (دروازه‌بان) - ابراهیم آشتیانی، حسن آشتیانی، محمد خدایی، مصطفی عرب (گاردین) و بعد از آن کارگر صحرانقلیه، علی، پرویز، و بعد از آن قربان از دفاعیه ۸۳، پرویز قلیچ‌خانی، مهدی حاج‌آبادی، محمد عارفی، هابون بهزادی و بعد صبر ایرانیان از دفاعیه ۲۱، غلامحسین مظلومی، تیم بایرن‌مونخ: توباک (دروازه‌بان) - روی‌پاک (۱)، هابون (۲)، بکن‌باوئر (۳)، گاردین (۴)، رابرت (۵)، دورن (۶)، مرکز (۷)، آشتیانی (۸)، روت (۹) و بعد ویشگر و از دفاعیه ۱۰ - گردولر (۱۱)، گرسنور (۱۲) و هریس (۱۳) و بعد (۱۴) و از دفاعیه ۱۵: اگر باور کردی، شاد باور کردی!